

ابعاد جهانی موعود باوری

<?xml encoding="UTF-8">

موعود باوری یا اعتقاد به سررسید وعده ای در آینده دور یا نزدیک که در آن اوضاع آرمانی ادیان یا اقوام برآورده خواهد گشت، اندیشه ای فراگیر و جهان شمول است. کمتر قوم و ملّتی را می توان سراغ گرفت که سر این سودا نداشته باشد و کم است دین و آیینی که چنین وعده ای در آن یافت نشود. موعود باوری یا اندیشه نجات یا منجی موعود را در جهان به نام ها و نشان های مختلف می شناسند. در حوزه غرب مسیحی، مسیحانیزم 1 یا «مسیح باوری» که اکنون در معنایی عام تر؛ یعنی «منجی باوری» به کار می رود، مفهومی کاملاً متداول است. این مفهوم با messiah که بیانگر بُعد نجات بخشی عیسی مسیح است، پیوند دارد. از قضا، این اصطلاح هم پا را از حوزه مسیح فراتر گذاشته و در کل به مفهوم «منجی موعود» و نجاتگری مسیحا نفس به کار می رود. (منظور، کاربرد این اصطلاح در ادبیات دینی ملت های دیگر و از آن جمله بیت معروف حافظ است.) در همین حوزه به مفهوم میلناریانیزم 2 یا «هزاره باوری» برمی خوریم که به معنای اعتقاد به هزاره؛ 3 یعنی دوران گسترش و استقرار فضیلت یا شادمانی عظیم یا حکومت کمال یافته یا رهایی از رنج های دیرین و نارسایی های حیات بشری است. 4 همین مفهوم را گاه با واژه هم ریشه و هم معنای میلنالیزم بیان می کنند و نهضت ها یا جریان هایی را که بر پایه این اندیشه استوارند، جریان های هزاره باور 5 می خوانند. 6 دیگر مفاهیم مرتبط با این اندیشه در غرب مسیحی عبارتند از: منجی، 7 نجات، 8 آزادی بخش، 9 رهاکننده 10- که حکایتی است از نقش عیسی مسیح به عنوان کسی که مؤمنان به خویش را از دین نخستین می رهاوند- رهایشگر، 11 و (آینده گرایی یا آخرت گرایی 12 که آن را «فتوریزم» نیز فارسی نویسی می کنند.

در حوزه شرق اسلامی، اندیشه منجی موعود با مفهوم مهدی، مهدویت و قائم تبیین می شود و با نام ها و شخصیت هایی مانند: مسیح، نفس زکیه، یمانی، سفیانی، دجال و... ارتباط پیدا می کند. در دیگر حوزه های دینی و فرهنگی نیز به مفاهیمی از این دست برمی خوریم. کلکی یا کلکین 13 در آیین هندو، میتربه 14 در آیین بودا، وانگ 15 یا پادشاه منجی و دادونگ 16 یا «حکومت جهانی» و نیز اصطلاح تایی پینگ 17 یا «هماهنگی بزرگ» و شخصیتی به نام لی هونگ 18 در دین های چینی (آیین های کنفوسیوس و تائو)، نهضت کوروزومیکو 19 و شخصیتی به نام کاواته بونجیرو 20 در دین و فرهنگ ژاپنی، نهضت تاکوی انکوی 21 و چهره ای به نام اینکارّی 22 در ادیان سرخ پوستی و شخصیت هایی مانند مای کا 23 و جان باتیست یا همان جان مسوو 24 در ادیان آفریقایی همگی گواه بر فراگیری و جهانی بودن اندیشه منجی و نجات موعود (موعود باوری) است.

این فراگیری و جهانی بودن به دوگونه می تواند تفسیر پذیرد. به تعبیر دیگر، موعود باوری جهانی را به دو مفهوم یا از دو سنخ می توان فرض کرد. نوعی «امید» جهانی و بشری به برون رفت از رنج های فردی یا اجتماعی، اعتقادی یا آموزه ای در مورد سررسید وعده ای مخصوص که در گذشته داده شده است. این دو فرض با هم تفاوت های قابل ملاحظه ای دارند:

فرض نخست از پدیده ای بالاصاله روان شناختی حکایت دارد. چنین امیدی در ذات خود در خصوصیتی روانی در بشر ریشه دارد که به مقتضای آن می کوشد آینده ای روشن تر از گذشته ترسیم کند. گو این که ممکن است این امید فطری با آن سنت الهی نیز هماهنگ باشد که: «با هر سختی، آسایشی هست» 25 این امید هم در افراد و

هم در جوامع وجود دارد و کارکرد روانی قابل ملاحظه ای برای آن متصور هست. می توان گفت منجی باوری های غیردینی (سیاسی - اجتماعی) بیشتر بر چنین امید روان شناختی تکیه دارد.

فرض دوم؛ یعنی تلقی موعود باوری به مثابه اعتقاد به سررسید وعده ای در گذشته، اولاً و بالذات، از سنخ «آموزه» یا «عقیده» است، هر چند ممکن است در پیشبرد اهداف خود، بر ویژگی امیدواری فطری بشری، تکیه و تأکید کند. منجی باوری های دینی از این سنخند. در این فهم از موعود باوری، نوع «خاصی» از رهایش و آرمان و ایده مخصوصی در نظر است، نه صرف امید به تغییر اوضاع ناگوار. در این فرض، نوعی پیش گویی آینده مطرح می شود. می توان گفت این مفهوم از موعود باوری بیشتر با «معنای زندگی» فردی و اجتماعی بشر مرتبط است تا با میل و امید فطری به گشایش و رهایش. به تعبیر دیگر، این مفهوم از موعود باوری دارای پشتوانه قوی تری در «اندیشه» و «ایمان» است تا در روان و ویژگی های روانی.

به نظر می رسد وقتی از ابعاد جهانی موعود باوری سخن می گویند، ناظر به همین فرض دوم در مفهوم موعود باوری باشد وگرنه سنخ اول اصولاً جای بحث و استدلال و استشهاد ندارد. علاوه بر این، موارد و مصادیق موعود باوری در جهان، با ویژگی هایی که برای مفهوم دوم برشمردیم، انطباق بیشتری می یابد.

این حقیقت آشکار که موعود باوری، پدیده ای با ابعاد جهانی و فراگیر است، نباید ما را از این حقیقت مهم غافل کند که همه موارد و مصادیق اندیشه منجی یا نجات موعود، یک گونه نیست؛ این غفلتی است که کم و بیش موعود باوران بدان دچارند. بازشناسی گونه های مختلف موعود و موعودباوری روشن می سازد که تا چه حد این باورها مشترک یا متفاوتند و آیا جمع این وعده ها در یک وعده جامع و واحد امکان دارد یا کدام یک از نظر آرمانی، روان شناختی و تربیتی، مؤثرتر و متعالی تر است؟ این جستار بر سر آن است که ابعاد جهانی موعود باوری را همراه با بازشناسی گونه های آن آشکار سازد

گونه های اصلی موعود باوری

بر اساس دیدگاه های مختلف، اندیشه منجی یا نجات موعود نیز انواع گوناگونی می یابد. در نخستین نگاه درمی یابیم که موعود ها یا شخصی اند یا غیر شخصی. موعودهای شخصی نیز خود بر چند گونه اند.

1. موعودهای شخصی

مراد از شخصی در این جا، فردی یا ویژگی های یک «شخص» (اعم از بشری و غیربشری) است که می تواند طرف خطاب و گفت و گو یا رابطه انسان قرار گیرد. بیشترین موعودهای ادیان اشخاصند. موعودهای شخصی گاه صرفاً بشری اند و گاه از نوعی الوهیت برخوردارند.

الف) موعودهای شخصی الوهی

از جمله موعودهای شخصی الوهی، «مسیح» برای مسیحیان است. در باور مسیحیان کاتولیک، عیسی مسیح، پسر خدا و خداست: «همان طور که پدر، خداست، پسر و روح القدس نیز خدایند، ولی آنها سه خدا نیستند، بلکه یک خدایند.»²⁶ همین عیسی مسیح است که در آخرالزمان دوباره باز می گردد تا داور جهان باشد و مردم را به کمال برساند. آمدن «پسرخدا» در آخر الزمان را برخی فرازهای عهد جدید تأکید کرده اند. (انجیل متی: 37/24، 27/4؛ انجیل لوقا: 8/8، 69/8، 22/8؛ انجیل مرقس: 31/8، 9/9، 31/9، 33/10، 21/14 و...)²⁷

نمونه دیگر از موعودهای شخصی الوهی، میتریه²⁸ است. در الهیات بودایی، او را بودای پنجم و آخرین بودا از بودایان زمینی می دانند. 29 گاهی نیز او را یک بُدهی ستوه³⁰ یعنی از جمله «بوداهای انتظار» تلقی می کنند که

آخرین مرحله نیروانه شان را به تأخیر انداخته اند تا همه موجودات نجات یابند. او را در نمادنگاری ها به هیأت مردی در وضعیت نشسته، ولی آماده برخاستن تصویر می کنند تا اشارتی باشد به آمادگی وی برای قیام! بنابر برخی منابع بودایی، میتريه اکنون در آسمان توشیته³¹ می زید و وقتی شرایط نزولش فراهم شد، پایین می آید، بودایی خویش را کامل می کند و دهرمه (یا دمه؛ یعنی آموزه های بودا) را به فرهیختگان می آموزد. شاهد سخن، اقامت او در آسمان است که گویا از سرشت فوق بشری او حکایت دارد.

سومین نمونه از موعودهای شخصی الوهی، کلکی یا کلکین است. به عقیده هندوها، او دهمین و آخرین تنزل³² خدا³³ در روی زمین است. بر این پایه، او خود ویشنو است که همچون نُه بار گذشته، این بار برای به پایان بردن این دوره جهانی و برقراری عدالت و فضیلت نزول می کند. در پایان عصرِ کلی،³⁴ جهان را سراسر ستم و تاریکی فرا می گیرد، ناشایستگان بر جان و مال مردم مسلط می شوند و دروغ و دزدی و رشوه سایه سیاه خود را بر دنیا می گستراند. در این عصر که بنابر اعتقاد هندویی، ما اکنون در آن به سر می بریم، فقط به یک چهارم دهرمه (دین یا نظم کیهانی) عمل می شود و سه چهارم به فراموشی سپرده شده است. کلکی در این زمان، سوار بر اسبی سفید و با شمشیری آخته، شهابگون و دو دم! ظهور می کند تا شرارت و ستم را از ریشه برکند و عدالت و فضیلت را برقرار سازد.³⁵

(ب) موعودهای شخصی بشری

موعود اسلامی یا مهدی موعود (عج) در دیدگاه عمومی مسلمانان، بشری از نسل پیامبر اسلام (ص) است که برای برپایی عدل و امن و رفاه و فضیلت ظهور خواهد کرد. او گرچه در اوج قله کمال قرار دارد و مظهر کامل اوصاف خداست، ولی بنابر مبانی اسلامی بشری همانند دیگر انسان هاست. نمونه دیگر موعود شخصی بشری، ماشیح³⁶ یا همان مسیح؛ یعنی مسح شده خداوند است. او سلاله ای از نسل داود (ع) است که به صورت شکوهمندی به موهبت الهی آراسته شده است. هم اوست که یهودیان دوره رومی، باور داشتند خدا او را برمی خیزاند تا یوغ کافران را بشکند و بر پادشاهی دوباره احیا شده اسرائیل که در آن، همه یهودیان از تبعید باز خواهند گشت، حکم براند.³⁷ این آموزه بعدها در تاریخ یهودیت تأثیر گذاشت و جریان هایی را پدید آورد و مدعیان زیادی پیدا کرد، هر چند، بنابر برخی پژوهش ها، نگرش موعودی در این مفهوم پس از دوران مسیحی آشکار شد.³⁸ خصایص او در یهودیت عبارت است از: پادشاهی مسح شده، دین داری عادل، پیامبر آخرالزمان، از نسل داود و بنابر برخی تفاسیر، فرمانروای همه عالم.³⁹ برخی محافل یهودی برپایی حکومت اسرائیل را به مثابه آغاز رهانندگی (به معنای فک رهن و بازخرید دین) از سوی ماشیح می دانند. از سوی دیگر، بسیاری از اسرائیلی های سکولار اصولاً هرگونه امید به ماشیح موعود را رد می کنند.⁴⁰

نمونه دیگر از این دست، موعود آیین زرتشتی است. سوشینت،⁴¹ به پهلوی سوشینت،⁴² نام شخصیتی نجات بخش است که سنت زرتشتی آمدن او را انتظار می کشد.⁴³ وی از دختری باکره زاده خواهد شد و به طور معجزه آسایی از تخمه زرتشت که در آب دریاچه هامون رها شده است، باردار می گردد. کلمه سوشینت از ریشه «سو»⁴⁴ به معنای «سود رساننده» است. این مفهوم در سنت زرتشتی از آموزه ای حکایت می کند که می گوید در رأس هر هزاره از سه هزاره آخرالزمان یک سوشینت می آید تا پلیدی را ریشه کن سازد و جهان را نو کند. مهم ترین آنها آخرینشان است. اگر چه در گات ها -مهم ترین بخش اوستا- مفهوم سوشینت بیشتر صفتی عام بود و شامل حال همه انسان هایی می شد که «راه و روش ایشان راستی بود و شادمانی به بار می آورد»،⁴⁵ ولی در متون متأخر زرتشتی، سوشینت مفهومی موعودی پیدا می کند⁴⁶ تا آن که در تظورهای بعدی این آموزه، محل ولادت

سوشیتِ پیروزگر و حتی نام مادران سوشینت های سه گانه را نیز پیشگویی کرده اند. 47 این اندیشه بعدها تفصیل بیشتری پیدا کرد و ظهور سوشینت را با جریان های روزِ داورى درهم آمیخت. برپایه این آموزه ها، قیامت با آمدن سوشینت، در همین زمین برپا می شود و جهان نو می گردد. فرشگرد، حکایتی از این واقعه است. 48 سوشینت چون ظهور کند، دیو آژ و همه دیوها را نابود می سازد. 49

نمونه دیگری از موعودهای شخصی بشری لی هونگ 50 موعود آیین دائو 51 است. آیین دائو در کنار آیین کنفوسیوس، یکی از دو دین بومی چین است (البته اگر آیین کنفوسیوس را دین تلقی کنیم). آیین دائو، جهان بینی عرفانی مردم چین را تبیین می کند.

بنیان گذار این آیین، لائودزو 52 یا لائوزه 53 است که در قرن ششم پیش از میلاد این اندیشه را پی ریخت. بنابر متنی از این آیین، که نام آن به فارسی «زندگی قدیس آخرالزمان و پروردگار طریقت» در زمانی که حدود آن را مشخص کرده اند؛ معنا می دهد. شخصی به نام لی هونگ ظهور خواهد کرد تا جهانی نو برپا کند که در آن برگزیدگان تحت حکومت «قدیس آخرالزمان» زندگی کنند. 54 «قدیس آخرالزمان» مصداق روشنی از شخصیتی کمال یافته و کمال بخش است. این اندیشه بعدها در تحول های آیین دائو و کشور چین تأثیرگذار بوده است. از دیدگاهی دیگر، موعودهای شخصی را دو دسته می یابیم. در آموزه های ادیان گاه شخص موعود را با تمام مشخصات فردی از جمله پدر و مادر تعیین کرده اند. به این ترتیب، تحقق وعده نجات را بر دوش شخص تعیین شده ای نهاده اند و در برخی ادیان موعود گرچه یک شخص است، ولی در این یا آن فرد تعین ندارد. به عبارتی، افتخار این مقام را کسی خواهد برد که شایستگی آن را بیابد. بنابراین، موعودهای شخصی از این نظر دو دسته اند:

موعود شخصی متعین

گرچه به نگاه دقیق مشکل می نماید کسی را که در آینده نقاب از رخ بر می کشد بتوان به طور قاطع معین کرد، ولی هستند مواردی که آموزه موعودی خاص، مدعی تعیین آنها با نام و نشان شده است. این موارد به گونه ای هستند که اگر کسی بخواهد مدعی آنها بشود، باید به راست یا دروغ، آن نشانه ها و نام ها را برای خود دست و پا کند.

از جمله این موارد مسیح، موعود مسیحیان جهان است که به مثابه داور جهانی باز می گردد. او کسی نیست جز عیسی بن مریم از ناصریه، یعنی مردی که فقط یک مصداق در عالم داشته است. همین گونه است سوشینتِ پیروزگر، موعود آیین زرتشتی. او نیز به مادرِ باکره اش شناخته شده است که نام وی را «گوباک ابو» دانسته 55 و ماجرای تولدش را چنان معجزه آسا تصویر کرده اند که کمتر کسی می تواند مدعی مقامش شود. از این جمله کلکی، موعود هندوها که به گزارش وشینوپورانه 56 - بخشی از پورانه ها، از متون اصلی هندویی - پسر برهمنی به نام وشینویشس 57 است. 58 59

در این میان، از همه قابل تأمل تر، موعود شیعه دوازده امامی، مهدی (عج) است. او علاوه بر این که با پدر و مادر شناخته می شود، مشخصاتی دارد که کمتر کسی جرأت می کند مدعی داشتن همه آنها شود. از جمله این نشانه ها، علم بی کرانه است. او کسی است که هیچ پرسشی وی را درمانده نکند، چنان که از پدرانش نیز چنین دعوایی گزارش شده است و این را از اوصاف «امامت» ایشان شمرده اند. 60

موعود شخصی غیر متعین

مقام موعود نجات بخش در اندیشه موعودی برخی ادیان و مذاهب، تعیینی در شخص خاصی ندارد. از این جمله

است موعود یهودیان، ماسیح. مفهوم ماسیح - مسح شده خداوند- آن گاه که درباره موعود منجی یهودیان در آینده به کار می رود، از شخص خاصی حکایت ندارد، بلکه تعیین او از سوی خداوند در زمان مقتضی صورت می پذیرد. چنین است موعود دائویی، لی هونگ؛ و نیز موعود یونانیان باستان که بنابر برخی گزارش ها، شاهزاده ای مقدس است که از مشرق قیام می کند و صلح را برای بشریت به ارمغان می آورد. 61 از این نوع است مهدی موعود (عج) نزد عموم اهل سنت. دیدگاه غالب اهل سنت این است که مهدی (عج) از نسل پیامبر (ص) و فاطمه (س) است، ولی هنوز زاده نشده و در موقع مقتضی زاده خواهد شد و عدل و دین را بر سراسر جهان خواهد گستراند. 62 براین پایه، هرکسی با این اوصاف کلی می تواند از سوی خداوند عهده دار این رسالت شود.

2. موعودهای غیرشخصی

در قبال این چهار گونه موعودباوری شخصی نگر، اندیشه هایی با موعودهای غیرشخصی مطرح می شود. مراد از غیرشخصی در این جا، اموری همچون یک نظام یا یک حکومت یا یک وضعیت است که تحقق آن را در آینده وعده داده اند. ویژگی امور غیرشخصی، ناممکن بودن رابطه فرد یا فرد با آنهاست. این گونه امور را فقط باید شناخت و حداکثر با آنها هماهنگ شد. اندیشه های موعودی غیرشخصی نگر عواطف را تحریک نمی کند.

گاه به نظر می آید اندیشه آرمانی خود کنفوسیوس (قطع نظر از کنفوسیوسیانی بعدی)؛ یعنی بازگشت به عصر فرزانه - شاهان (شنگ وانگ ها) که بنابر سنت چینی پنج تن بودند و در عصر باستان حکومتی خردمدار برپا کرده بودند، 63 از این دست است. گرچه بنابر برخی پژوهش ها، کنفوسیوس نیز آمدن شخصی را انتظار می کشید.

64

شاید یکی از نمونه های موعود باوری غیر شخصی نگر، موعودباوری سرخ پوستان آمریکای مرکزی و جنوبی باشد. این اندیشه بر بنیاد خاطره ای خوش از پادشاهی قدرتمند و پرشکوه در زمان های قدیم تکیه دارد. اندیشه منجی موعود در این جوامع بیشتر در قالب نهضت های آزادی خواهانه بومی ظهور می کند.

هر چند مواردی وجود دارد که نشان دهنده نوعی شخصی نگری در این موعودباوری است؛ 65 گویا هر گونه موعودباوری سرانجام به نوعی شخصی نگری تن می دهد.

دیگر گونه های موعود باوری

الف) موعودهایی با نجات بخشی فردی

این موعودها با ویژگی های زیر مشخص می شوند: جنبه سیاسی و اجتماعی ندارند؛ معمولاً نجات معنوی را نوید می دهند؛ نجات بخشی ایشان می تواند در طول تاریخ - یا در روند زندگی های مکرر هر شخص در مورد ادیانی که قائل به تناسخند - برای تک تک انسان ها تحقق یابد، بی آن که مستقیماً به تحول اجتماعی بیانجامد یا وابسته به تحولی باشد.

نمونه های این نوع موعود باوری عبارتند از: آموزه موعود بوداییان، به ویژه فرقه پرجمعیت تر بودایی؛ یعنی مهاییانه. 66 میتریه، موعود نجات بخش بودایی در اصل، نجات افراد بشر را در سر می پرورد و تحقق اهداف اجتماعی، دست کم بالاصاله، مورد توجه او نیست. هر چند در مجموع، در روند حوادث مربوط به ظهور وی موضوع رفاه و بهروزی اجتماعی نیز مورد توجه بوده است و به این جهت، جریان های اجتماعی اصلاح طلب گاه رهبران خویش را همان میتریه انگاشته اند. 67

نوعی تفکر منجی باور را در برخی ادیان و مذاهب می توان برشناخت که در آن نجات بخش، فردی مشهود است هر چند شاید این را صرفاً نتوان به اندیشه موعود آخرالزمان مربوط دانست. در نظریه غیبت امام زمان نزد شیعیان دوازده امامی، امام دوازدهم که همان مهدی موعود (عج) است، در طول تاریخ غیبتش همواره رسالت نجاتگری خویش را درباره مؤمنان راستین و سالکان طریق حقیقت اعمال می کند. او پیش از آن که منجی موعود آخرالزمان باشد، «مهدی» - هدایتگر - است. او به سان امامی همیشه حاضر، مأمن مستحکم، فریادرس درماندگان زمین گیر شده، پناه گریزندگان (ازستم و بدی ها)، نجات بخش ترسندگان، نگاه دارنده کسانی است که پاکی و پاکدامنی می طلبند. 68

نمونه دیگر از این دست، عیسی مسیح است. او که نزد مسیحیان همانا منجی موعود آخرالزمان نیز هست، در طول تاریخ، مؤمنان به خویش را از دین گناه نخستین می رهاند. کار غیبی مسیح را در این نقش، «فک رهن» 69 می خوانند. 70

ب) موعودهایی با نجات بخشی جمعی

بیشتر موعودهای ادیان و فرهنگ ها از این دسته اند. موعودهای نجات بخش جمعی معمولاً (و نه در همه موارد) رسالتی سیاسی - اجتماعی دارند. در پس زمینه این نوع موعود باوری، اصل اصالت اجتماعی، دست کم به طور نسبی، مورد توجه است. موعودهای نجات بخش به گونه های مختلف تقسیم می پذیرند:

انواع موعود نجات بخش از نظر کارکرد اجتماعی

از این دیدگاه، موعودها سه گونه اند:

اول- موعود نجات بخش صرفاً اجتماعی

در این نوع موعود باوری، آنچه اولاً و بالذات در نظر است، همانا آرمان های اجتماعی؛ یعنی رفاه، عدالت، آزادی، نظم و امنیت اجتماعی است. به این ترتیب، نجات معنوی (اخلاقی و عرفانی) در این نوع موعودباوری اصالت ندارد، هرچند به طور کلی هم فراموش نمی شود. این موعود باوری اگر تحقق دین و احیای سنت ها را وعده می دهد، ناظر به تحقق احکام دین و حکومت دینی یا سنت های پسندیده اجتماعی است. به این ترتیب، اصالت الاجتماع همچون اصلی اساسی در این نوع موعودباوری نقش می آفریند.

نمونه های این نوع موعودباوری را می توان این گونه شماره کرد:

- موعود کنفوسیوس که آرمانش احیای عصر هماهنگی بزرگ، عمل به دائو و حکومت فرزنانگان بود.

- موعود یونانیان باستان که بنابر پیش گویی هایی که در قرن دوم پیش از میلاد می کردند، شاهزاده ای مقدس را انتظار می کشیدند که از مشرق قیام می کند و صلح ابدی را برای همه بشریت به ارمغان می آورد.

- موعود سرخ پوستان آمریکای مرکزی و جنوبی که در واکنش به چیرگی اسپانیایی ها، نهضت تاکوی انکوی 71 را با هدف اخراج سفیدپوستان و بازگرداندن نظام دیرین اینکا 72 به راه انداختند و غلبه هوآکاس 73 برخدای مسیحی را وعده دادند. 74

- موعودهای افریقایی مثل مای کازا و عیسایه شبه، که جنبه مسیمانسیک و هزاره گرایی دارند و عصر آزادی و بهره مندی از فرصت و مجال مساوی برای زندگی و استقلال را نوید می دهند.

- ماشیح، موعود یهودیان که احیاگر پادشاهی اسرائیل و بازگرداننده سروری قوم یهود است.

- موعود اسلامی نزد عموم اهل سنت نیز چنین است. مهدی (عج) در دیدگاه عمومی اهل سنت، گرچه احیاگر دین است، ولی اولاً و بالاصاله کارکردی اجتماعی دارد و به اهداف اجتماعی دین؛ یعنی عدالت، امنیت و رفاه می

دوم- موعود نجات بخش معنوی - اجتماعی

این نوع موعود باوری، نجات این جهانی و اجتماعی را با نجات معنوی و کمال یافتگی افراد اجتماع، یک جا وعده می دهد. از این جمله است:

- موعود هندویی کلکی که با احیای دهرمه، 76 فضایل و معارف از دست رفته را همراه با عدالت، امنیت و رفاه به جهان باز می گرداند.

- موعود زرتشتی، سوشینت 77 که در پی احیای سلطنت بلامعارض اهورا مزدا است؛ چنان که عدالت و امنیت و صلح اجتماعی را نیز می خواهد. معنویت آرمانی سوشینت، بیشتر معنویتی اخلاقی است تا عرفانی.

- موعود دائویی، لی هونگ که قدیسی برگزیده است و بناست تا شرایط زیست متعالی برگزیدگان را تحت حکومتی آرمانی فراهم آورد.

- موعود اسلامی اهل تصوف و شیعیان دوازده امامی که علاوه بر احیای دین و سنت و برقراری عدالت، امنیت و رفاه، عقل مردمان را نیز به کمال می رساند. او حجت خداست تا ابهامی باقی نماند و «باب الله» است تا بشر از آستانه او و در او به خدا سیر کند. 78

سوم- موعود نجات بخش معنوی صرف

این نوع نگرش های موعودی در باب اجتماع ساکتند یا تأکید چندانی بر حرکت یا خیزش یا تحول اجتماعی ندارند. سودای رستگاری افراد اجتماع، مهم ترین هدف اینان است. موعود مسیحی عیسی ناصری را که بناست در نقش «داور جهانی» باز گردد، می توان از این گروه شمرد. البته این در صورتی است که بپذیریم عهد جدید از سیاسی شمردن مسیح حذر داشته و توصیف سروده های شمعون را درباره او نپذیرفته است؛ چنان که برخی تفاسیر، از داور جهانی، مفهومی غیرسیاسی برداشت می کنند. درباره مسیح و رسالت پایانی او دیدگاه های دیگری نیز هست که به آن ابعاد اجتماعی می بخشد. 79 شاید نمونه آشکار تر این نوع موعود، میتریه بوداییان باشد که گویا مهم ترین رسالتش، قیام برای تکمیل آموزه های بودا و به نیروان رساندن مردمان است. 80

انواع موعود نجات بخش از نظر دامنه رسالت

موعودهای ادیان، بر اساس این که نجاتگری شان شامل قوم و ملت یا سرزمین خاصی می شود یا همه جهان و جهانیان را فرامی گیرد، به دو دسته تقسیم می پذیرند:

اول- موعودهای قوم مدار و سرزمینی

بی گمان ماشیح، موعود یهودی از نمونه های برجسته این نوع موعودهاست. بیشترین تأکید در موعودباوری یهودی بر رهایش و سروری قوم یهود است. نمونه های دیگری از این نوع را در موعودهای سرخ پوستی و آفریقایی باید جست.

شاید به سختی بتوان پذیرفت که در دیدگاه اصحاب حدیث از اهل سنت، دایره حکومت مهدی (عج) منحصر به جهان اسلام و سرزمین های اسلامی است. با وجود روایات نبوی (ص) دال بر «پرشدن زمین از عدل» به دست آن حضرت، این گرایش و چه بسا دیگر جریان های سنتی، برداشتی سرزمینی از موعودباوری اسلامی دارند. 81 به این ترتیب، موعود اسلامی در این دیدگاه، موعودی سرزمینی خواهد بود؛ یعنی دامنه رسالت او فقط جهان اسلام را شامل می شود.

دوم- موعدهای جهان شمول

این نوع موعود باوری به رونق و رفاه قوم و ملت و سرزمین خاصی راهبردار نیست، بلکه حاکمیت عدل، امن، رفاه و رستگاری را برای همه جهان و جهانیان نوید می دهد. بیشتر موعدهای ادیان بزرگ از این نوعند. موعود مسیحی، موعود هندویی، موعود زرتشتی، موعود بودایی، موعود دائویی و کنفوسیوسی و نیز موعود اسلامی شیعی و بسیاری از اهل تسنن، از جمله نگرش های صوفیانه سنی از این دسته اند.

انواع موعدهای نجات بخش از نظر آرمان

اول- موعدهای روبه گذشته

موعود باورهای روبه گذشته، نوید بازگشت کسی یا وضعیت سابق را می دهند. این وضعیت معمولاً دوران طلایی و فرهمنندی بوده است که از دست رفته و به فراموشی سپرده شده و تنها خاطره ای از آن بر جای است. این گونه وضعیت ها سه گونه است:

- موعود باوری «آرمان - شهرگرا»

آرمان - شهری همچون یوتوپیا⁸² یا مدینه فاضله افلاطون.

- موعود باوری بهشت گرا

اوضاع اساطیری ایده آلی مانند عصر نخست از ادوار چهارگانه روزگار، یوگه ها⁸³ در آیین هندو یا عصر حکومت زرتشت در آیین زرتشتی.

- موعود باوری «باستانگرا»

دوران پادشاهی فرزانه - شاهان باستان؛ مانند حکومت شاهان باستانی در آرمان کنفوسیوس یا نظام اینکاری در خاطره سرخ پوستان آمریکای جنوبی.

دوم- موعدهای رو به آینده

این نوع اندیشه نجات و منجی موعود، نوید تحقق وضعیت تازه یا کمال به دست نیامده یا معرفت متعالی تری را می دهد یا رسالت موعود خویش را تمام کردن کار ناتمام گذشتگان می شمارد. موعدهای روبه آینده دو گونه اند:

موعدهای پایانی

سر رسید وعده این نوع موعود اندکی پیش از پایان جهان است. در واقع، جهان یا این دوره از ادوار جهانی به او پایان می پذیرد. آخرین موعود زرتشتی، سوشینت پیروزگر از این دسته است. بنابر آموزه های متون زرتشتی، سوشینت با آمدنش، مردگان را از نیک و بد، از خاک برانگیزاند، نیکان و بدان را از هم متمایز کند، بدان را به عذاب دوزخ و نیکان را به شادمانی جزا دهد و پل چینوت را برپا کند و...⁸⁴ مسیح نیز در نگرش موعودی مسیحیان «داور جهانی» خواهد بود. به این ملاحظه، او نیز موعودی پایانی است. مهدی (عج)، موعود اسلامی، در نظرگاه مشهور میان اهل تشیع و تا حدودی اهل تسنن، موعودی پایانی است. بنابر برخی روایات، کار جهان به شهادت او پایان می پذیرد و قیامت بر پا می شود.⁸⁵ بنابر برخی دیگر از روایات، پس از او جانشینان وی حکومت خواهند کرد. بر پایه روایاتی دیگر، مهدی های متعدد خواهند آمد.⁸⁶ شاید عقیده کسانی که عنوان مهدی موعود را علی

الاطلاق به موعود آخرالزمان نسبت می دهند. جمع میان این اقوال و اخبار باشد.

انواع موعود نجات بخش از نظر کارکرد کیهانی

اول- موعود باوری با ابعاد کیهانی

کم نیست اندیشه های موعودی که در وعده هایی که می دهند، تحولات کلی یا جزئی در جهان را نیز پیش گویی کرده اند. این تحولات شامل مواردی از این دست می شود: انهدام عالم یا زمین، پایان یافتن خلقت یا این دوره از ادوار جهانی، نو شدن جهان، هماهنگ شدن طبیعت با انسان و انسان با طبیعت، فراوانی نعمت، نزول باران های رحمت و برکت، آشکار شدن گنجینه های زمین، تسهیل امور و . . .

کلکی، موعود هندویی، این دوره از ادوار جهانی را به پایان می برد. بنابر باور هندویی، عصر کلی، کلی یوگه، 87 چهارمین عصر از این دوره چهارگانه عالم است. با آمدن کلکی، جهان، دوره ای نو آغاز می کند و به عصر زرین نخستین که در آن به تمام دهرمه - یعنی قانون عدل و فضیلت - آگاهی بود و عمل می شد، باز می گردد. اندیشه های موعودی که با پایان عالم مربوط اند از این دسته اند.

در تفکر زرتشتی، با آمدن سوشینت پیروزگر، جهان نو می شود. این پدیده را فرشکرد، فرشوکت یا فرشوکت یا فرشوکتی - چنان که در زبان پهلوی می خوانند - می گویند. فرشوکت، حامل معانی کامل کردن، ترقی دادن، زنده کردن و بر انگیختن است 88 و اصطلاحاً از آن «نوشدن عالم» را مراد می کنند. این فقط به معنای رستاخیز مردگان و حاکمیت نیکی و نابودی بدی و پلیدی نیست، بلکه دگرگونی های عمیق در طبیعت و عالم مادی را نیز می رساند. گویی بهشت، انگهو و هیششت، در همان زمان و همین زمین برپا خواهد شد. 89 در زمان وی، رنج و بیماری و پیری و مرگ و درد و ستم و بددینی و فساد برخواهد افتاد. گیاهان پیوسته سبز و خرم خواهند گشت و آفرینش از شادمانی جاوید بهره مند خواهد گردید. 90

از نمونه های همسازی طبیعت با بشر و به مراد گشتن روزگار، هنگامه آمدن عصر هماهنگی بزرگ، دادنگ 91 در آیین دائو و آیین کنفوسیوس است. در این عصر که بنابر باور چینی، روزگاری، جهان بر این منوال بوده است، همگان به دائو (راه بزرگ) عمل می کردند، یک روح بهروزی و هماهنگی جهان را سرشار کرده بود و . . . 92 و چنان که بر می آید، این خاطره تجدید نشدنی است.

موعود باوری اسلامی به ویژه در دیدگاه شیعه دوازده امامی، نیز در این دسته بندی قرار می گیرد. با آمدن مهدی (عج)، زمین دفینه های خود را بیرون خواهد کرد و رونق و رفاه و برکت، زمین را فراخواهد گرفت. 93 در این باره که آیا جهان با قیام قائم و حکومت او پایان خواهد گرفت و قیامت به پا خواهد، شد روایات و اقوال مختلفی وجود دارد. 94 اگر چنین باشد، موعود باوری اسلامی، وسیع ترین ابعاد کیهانی را در خود دارد.

دوم- موعود باوری در حوزه بشری

این گونه موعود باوری را بیشتر در مواردی می توان سراغ گرفت که از نظر کارکرد اجتماعی، صرفاً به نجات اجتماعی می اندیشیدند، مانند موعود باوری سرخ پوستان آمریکا و اندیشه های موعودی در برخی ادیان آفریقایی. در این موارد، سخن از دگرگونی های کیهانی نیست و آنچه رخ می دهد، صرفاً در همین حوزه بشری است.

پی نوشت ها :

*. این نوشتار، نگاهی دیگر و بیانی خلاصه تر از دو مقاله نگارنده است که با عنوان «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان و فرهنگ ها» و «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در اسلام» در شماره های 12 – 13 و 21 فصل نامه تخصصی «هفت آسمان» منتشر شده است.

1. Messanism

2. Millenarianism

3. Millennium

4. Babcock Philip, Webster, s Third New International Dictionary of the English Language: a, meriam Websters. U. S. Encyclopedia Britanica, INC, 1993

5. Millenial Movements

6. برای مطالعه ای فراگیر در این باره نک: Landes, Richard A. , Encyclopedia of Millenialism and Millenial Movements, New York London, Routledge, 2000

7. Saviour

8. Salvation

9. Liberator

10. Redeemer

11. Deliverer

12. Futurism

13. Kalki, Kalkin

14. Maitrya

15. Wang

16. Da Dong

17. Tai ping

18. Li Hung

19. Kurozumiko

20. Kawate Bunjiro

21. Takui Oucoy

22. In Karri

23. Mai Chaza

24. Johan Masowe

25. انشراح، 5 و 6.

26. بخشی از اعتقادنامه آتاناسیوسی، نک: برانتل، جورج، آیین کاتولیک، ترجمه: حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، 1381، ص 84.

27. کتاب مقدس، ترجمه انجمن کتاب مقدس.

28. Maitryea
29. ولفگانگ، هانس، آیین بودا، ترجمه: ع. پاشایی، تهران، انتشارات فیروزه، 1375، ص 121.
30. Bodhisattava
31. Tushita
32. Avatara
33. Visnu
34. Kali Yuga
35. ایونس، ورونیکا، اساطیر هند، ترجمه: باجلان فرّخی، تهران، نشر اساطیر، صص 41 - 42 و 125 - 126.
36. به انگلیسی: Messia، به لاتین: Messias و به عبری: mashiah.
37. The Encyclopedia of Judaica, Israel, Keter P. House, p. 1407
38. همان.
39. هاوکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، مدخل «شیلو».
40. Cohn – sherbok, Lavinia & Dan, A popular Dictionary of Judaism, U. S. Curzon, 1997
41. Saoshyant
42. Soshyant
43. Hinnells, John, A New Dictionary of Religions, U. S. A, Black Well, 1995. p. 174.
44. Su
45. گات ها، سروده های زرتشت، ترجمه: موبد فیروز آذر گشسب، تهران، انتشارات فروهر، سیناهات 34، بند 13.
46. شیت ها، فروردین شیت، فقره 110، 117، 128 و 129.
47. همان، فقره 142 و 143.
48. دادگی، فَرَنبَغ، بُندهش، بهار، مهرداد، تهران، انتشارات توس، 1380، چ 2. بخش نوزدهم، شماره 223، ص 146: «پنجاه و هفت سال سوشیانس مرده انگیزاند، همه مردم را برانگیز اند، چه پرهیزگار، چه دروند مردم. . .».
49. رضی، هاشم، ونیداد، تهران، انتشارات فکر روز، 1376، ج 3، ص 1663. هاشم رضی در این تحقیق، ارجاع های گسترده ای به مطالب مربوط به سوشینت در متون زرتشتی داده است. نک: همان صص 222، 4 - 286، 644، 909، 935 و . . .
50. Li Hung
51. Tao
52. Lao Tzu
53. Laozi
54. Eliade Mircea, The Encyclopedia of Religion, New York, Macmillan Publishing Co, V. 3 , p. 269 & V. 14,p. 320.
55. مصطفوی، علی اصغر، اسطوره سوشیانت، تهران، انتشارات فرهنگ دهخدا، 1381، ص 97 به نقل از: دینکرد، فقره 55 - 61. ارجاع به این منبع بهانه ای بود برای معرفی آن. علی اصغر مصطفوی در این کتاب، موضوع موعود زرتشتی را در بیشتر کتاب های دینی زرتشتی دنبال کرده است.

56. Visnu Parana
57. Visnugasas
58. Stutley, Margaret and Jaimes, A Dictionary of Hinduism, London, Routledge & Kegan Paul, 1985, p. 138.
59. Bhatt, G. P. , Visnu Purana, Delhi, Motilal Banarsidass, (IV. 24).
60. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1403، باب «مما یعرف به علیه السلام»، ص 161.
61. A Dictionary of Hindism, p. 138.
62. نوبختی، فرق الشیعه، ترجمه و مقدمه: محمدجواد شکور، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، 1353، مقدمه صص 8 – 159.
63. جوجانی و ینبرگ، تاریخ فلسفه چین، ترجمه: ع. پاشایی، تهران، نشر گفتار، 1369، ص 9.
64. این پژوهش ها هنوز به مرحله نشر نرسیده است.
65. The Encyclopedia of religion, V. 13 , p. 471.
66. Mahayana
67. The Encyclopedia of Religion, V. 9 , p. 136-8
68. موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم «فوائد الدعاء للقائم»، قم، 1398 هـ. ق. ، صص 272 – 274، به نقل از: اقبال، ص 687. این عبارات درباره امامان شیعه وارد شده است. در این باره شواهد بیشتری هست که برخی را در این کتاب آورده است.
69. Redemption
70. Cross, F. L. , The Oxford Dictionary of the Christian Church, London. Oxford University press, 1997, p. 1373.
71. Taqui Oncoy
72. Inca
73. Huacas
74. The Encyclopedia of Religion, V. 13, p. 471.
75. فقیه ایمانی، مهدی، الامام المهدی عند اهل السنّه، تهران، مجمع العالمی لاهل البیت، 1418 هـ. ق. ، ص 595 تا 668.
76. Dharma
77. Saoshiant
78. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، کتاب الحجه، باب «ان الارض لاتخلو من حجه»، برای آگاهی بیشتر از هویت و جایگاه امام در نگرش شیعه دوازده امامی نک: صدوق، صص 147 – 148.
79. The Oxford Dictionary of the Christian Church, p. 1086-7.
80. The Encycbpedia of Religion, V. 9, p. 136-8
81. بر اساس برداشت شماری از عالمان سنّی، الارض در حدیث نبوی (ص) همانا سرزمین اسلام و مهدی (عج)

- نیز فقط یک مجدّد اسلام است. نک: المقدم، محمد احمد اسماعیل، المهدی و فقه أشراف الساعة، اسکندریه، الدار العالمیه، صص 167 - 169، 577، 718 - 719 و 727.
82. Utopia
83. Yuga
84. اسطوره سوشیانت، صص 116 - 120، به نقل از: بندهش، فصل 30 (در ترجمه بهار، فصل 19). این گونه آموزه ها درباره سوشینت در متون متعدد زرتشتی آمده است.
85. الصدر، محمد، تاریخ ما بعدالظهور، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1408 هـ. ق. ، صص 655 - 666.
86. طوسی، الغیبه، نجف، چاپخانه نعمان، ص 285، عن الصادق (ع): «یا اباحمزه! انّ منّا بعد القائم احد عشر مهدیاً من ولد الحسین» و نیز بنگرید به دعاهاى وارده که در آنها بر جانشینان مهدی (عج) صلوات فرستاده شده است: قمی، عباس، مفاتیح الجنان، معرب، ص 542.
87. Kali Yuga
88. اسطوره سوشیانت، ص 23.
89. همان، صص 24 - 30.
90. همان، ص 98، به نقل از: دینکرد، کتاب هفتم، فصل دهم.
91. Da Dong
92. تاریخ فلسفه چین، ص 44، به نقل از: حاجی، کتاب چهارم، فصل نهم.
93. صافی، لطف الله، منتخب الاثر، چاپ هفتم، قم، نشر داورى، ص 468 تا 478. در نگرش های مختلف، این اخبار را به صورت های گوناگون تفسیر و تأویل می کنند.
94. اشاره به حدیث منبع 86 است.